

دستاوردهایی فراتر از مرزهای ایران

انقلاب اسلامی

و تغییر موقعیت استراتژیک جهانی

- ♦ دکتر سیداحمد رهنمایی

«کنت پولاک» استراتژیست برجسته آمریکایی نیز به گونه‌ای دیگر می‌گوید: «ما با یک قدرت شیطانی روبرو هستیم که به مدت ۳۰ سال ۵ رئیس‌جمهور آمریکا را با شکست مواجه کرده است.» در هر صورت باید موقعیتی را که امروز به برکت انقلاب اسلامی ایران در سطح جهان و از جمله در جهان غرب فراهم شده، مغتنم دانست و به مثابه یک پدیده سرنوشت‌ساز، آن را در راستای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های اسلام ناب حفظ کرد.
اعتراف‌های سیاستمداران و سیاست‌گذاران غربی به روشنی مآم ما را با پدیده جدیدی در غرب آشنا می‌کند که می‌توان آن را اسلام‌گرایی غرب نامید. برای نمونه «فدریکا موگرتینی» رئیس اتحادیه اروپایی، طی سخنانی در همایش اسلام و اروپا در پایتخت بلژیک می‌گوید: «اسلام جایگاه طبیعی خود را در جامعه اروپایی دارد و دلیل آن هم تأثیر آشکار آن بر سبک زندگی اروپایی است. به همین دلیل، از نظر من، اسلام یعنی اروپا و اروپا همان اسلام است.» امواج سهمگین انقلاب اسلامی مناطقی از جهان اسلام و غرب را بشدت تحت تأثیر خود قرار داد تا بار دیگر مسلمانان در جوامع اسلامی ادعای شرف کنند و مانع هدررفت میراث اسلامی خویش شده، تا حد توان در راه رمان‌های دینی خود به پا خیزند. مؤسسه پیو (Pew R search Center) می‌نویسد: «بر اساس تحقیقات انجام شده، با توجه به افزایش گرایش‌های فردی و جمعی، دین اسلام از سال ۲۰۵۰ به بعد دین غالب جهان خواهد بود.» «کلاب موبن» روزنامه‌نگار جوان و بیدارگر آمریکا به مثابه سبیل یک جوان انقلابی آمریکایی می‌گوید: «در جمع مردم دیترویت آمریکا از شرکت خود در جلسه سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای رهبر عالی ایران گزارش دادم و گوشه‌ای از سخنان ایشان را در محکومیت همزمان داعش و پلیس فدرال آمریکا در سرکوب سیاهپوستان بیان کردم که بسیار مورد تشویق حضار قرار گرفت. گفتم رهبر عالی ایران، مصداق جوان و بیدارگر آمریکا به مثابه سبیل یک جوان است. عبارتی که تا پیش از عزیمت به ایران نشنیده بودم ولی وقتی به ایران آمدم دیدم ایران پشتیبان مظلومان است. در غرب، عکس این را به نمایش می‌گذارند. ایران، پشتیبان سیاهپوستان است. یک بار از زبان جوانی در ایران شنیدم که با زبان انگلیسی دست و پا شکسته به من می‌گفت ایران حرف مفت می‌زند. تا این را شنیدم قلم شکست، فهمیدم تبلیغات آمریکا در سطوحی در ذهن جوانان ایرانی مؤثر افتاده است ولی خیر ندارند که مردم آمریکا با چه وضعی زندگی می‌کنند. در آمریکا بیش از ۵۱ میلیون نفر شبها در خیابان‌ها می‌خوابند. آمریکا کشور سالمی نیست، جامعه سالمی ندارد. اگر هم به وضعیت به ظاهر دارای رفاه آمریکا نگاه کنیم، اینها حاصل خون مظلومان عالم است. ایران وضعیتش نسبت به سایر کشورهای منطقه بسیار بهتر است.» مویسن هچینسن در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار بین‌المللی خبرگزاری رسا گفت: «رهبر عالی ایران با نامه‌های خود به مسا جوانان اروپایی و آمریکایی نشان داد چقدر با طرز تفکر جوانان غربی آشناست. حتی لحن بیان رهبر عالی ایران به گونه‌ای بود که ما بتوانیم سخن او را بفهمیم و ابعاد مختلف آن را درک کنیم؛ نه اینکه فقط بشنومیم و از آن بگذریم.» وی افزود: «رهبر عالی ایران بخوبی به این حقیقت واقف است که میلیون‌ها جوان آمریکایی با آغوش باز از تفکرات دیگر استقبال می‌کنند.» موبن ادامه داد: «نامه رهبر عالی ایران، امیدی برای جوانان آمریکایی بود که بدانند در راه مبارزه برای عدالت تنها نیستند و افرادی در جهان هستند که هم‌روزافزون خود را رهبران آمریکا را پنهان نمی‌کنند.»

پی‌نوشت

۱- سخنرانی الکساندر دوگین، نشست چهارمین شب علوم انسانی که به همت مجله عصر اندیشه و با مشارکت مرکز تحقیقات صدرا در فرهنگسرای اندیشه برگزار شد.

(www.cgie.org.ir/fanews/115106)

۲- از پروفیسور «محمد لگن هاوزن» درباره سرنوشت جنبش وال استریت سؤال کردم. ایشان اظهار داشت تمام آن حرکت و جنبش را رسانه‌های وابسته به دولت و حکومت آمریکا با تبلیغات شکننده از بین بردند. رسانه‌های آمریکا در این تبلیغات، چهره‌های بنیانگذاران جنبش وال استریت را چنان کریم به نمایش گذاشتند که شهروندان آمریکایی از اصل جنبش و بنیانگذاران و هواداران آن نفرت پیدا کنند.

منبع: فصلنامه فرهنگ پویا/شماره ۲۲



دستاوردهایی فراتر از مرزهای ایران

انقلاب اسلامی

و تغییر موقعیت استراتژیک جهانی

- ♦ دکتر سیداحمد رهنمایی

مسیحی ارتدکسی وجود دارد. ایران و روسیه هر دو تئوری‌های لیبرالیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم و فاشیسم را دوست ندارند و در فلسفه سیاسی‌شان به آن اعتقاد ندارند. هر دوی ما به فرهنگ انتظار اعتقاد داریم. ایرانیان در انتظار امام مهدی هستند و در اندیشه مسیحی ارتدکس هم ما منتظر بازگشت عیسی مسیح هستیم. بنابراین انتظار بین این دو کشور مشترک است؛ همانطور که نگاه ما به شیطان مشترک است؛ چنانکه هر دوی ما امپریالیسم را شیطان و دشمن خود می‌دانیم.^(۱) در هر صورت، بسیاری از دیدگاه‌هایی که در دهه‌های اخیر در بلوک شرق در رویارویی با جریان‌های استعماری غرب و تهاجم فرهنگی غرب ابراز می‌شوند، متأثر از پیروزی انقلاب اسلامی است. به بیان دیگر، بلوک شرق هم انقلاب اسلامی را باور کرده است و هم به این نتیجه رسیده است که بدون جلوداری و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران هرگز نمی‌توان در مقابل هجمه‌ها و سیاست‌های استعماری غرب قد برافراشت و با تمام قامت ایستاد. این موضوع تا آنجا پیش رفت که کشور روسیه و شخص رئیس‌جمهور آن پوتین با سیاست‌های تنش‌زدایی ایران در منطقه همسو شد و فراتر از آن، شهروندان روس را برای مسافرت ایام کریسمس به ایران به جای ترکیه تشویق کرد و حتی آمادگی کشور و دولتش را برای گسترش فرهنگ اسلام ناب از جنس اسلام انقلاب اسلامی در میان مسلمانان روسیه و تربیت آنان بر اساس مضامین و آرمان‌ها و ارزش‌های این اسلام اعلام کرد. در مجموع، انقلاب اسلامی ایران فرصت مناسبی را در اختیار بلوک شرق برای مبارزه آشکار با سلطه غرب قرار داد و نوبدبخش شکست ابهت و هیمنه غرب در شرق و امیدبخش سودای تصرف شرق و سلطه بر بلوک شرق را از سر به برد و به حفظ مواضع خود در داخل خاک و خونه خویش باسند کرد.

چهارم: دستاوردهای انقلاب اسلامی در جهان غرب

انقلاب اسلامی در ابعاد جهانی خود به‌گونه‌ای برجسته و نمایان، وجدان‌های بیدار را الهام بخشید، تا آنجا که دنیا شاهد شگوفایی جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی همچون اجتماع بزرگ میولینی مسلمانان در آمریکا و ظهور جنبش وال استریت در این کشور شد. این جنبش به نظر برخی صاحب‌نظران غربی^(۲) اثر فشار سنگین تبلیغات رسانه‌های وابسته به استکبار جهانی فرصت گسترش در سطوح مختلف جامعه و ملت آمریکا را به دست نیاورد اما جرقه‌های زیر خاکستر ناشی از آن دیر یا زود به آتشی سهمگین مبدل خواهد شد و دامن استکبار را در گام اول خواهد گرفت. انقلاب اسلامی زمینه را برای آشنایی شهروندان غربی با اسلام ناب فراهم کرد. چنانچه انقلاب اسلامی تحقق نمی‌یافت، تصور دنیا و حتی مسلمانان جهان از اسلام محدود می‌شد به اسلام وهابی و اسلام لیبرال و اسلام آمریکایی و اسلام لندنی و اسلام غیرمتعهد و اسلام بی‌خاصیت و اسلام مسلکی و فرقه‌ای و جزئی اما صدور فرهنگ انقلاب اسلامی به میحهای زیست فرهنگی غرب، ضربه‌هایی شکننده را بر پیکر نظام فرهنگی و سیاسی غرب وارد کرد. از کان استعماری غرب، امروز بسیار شکننده‌تر از آن است که پیش‌تر تصور می‌شد. غرب امروز در وضعیت درماندگی و سردرگمی سیاسی به سر می‌برد که برون‌رفت از آن به این سادگی‌ها میسر نمی‌شود. تا همین چند صباح پیش تبلیغات رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی بهترین ابزار سلطه فرهنگی غرب بر جهان محسوب می‌شد. اما امروز این ابزار تأثیرگذار بر اثر ظهور و انتشار امواج انقلاب اسلامی ایران از انحصار غرب به درآمده است و شد خود غرب به کار می‌رود. رسانه‌ها به‌واقع مهم‌ترین نقطه امید و بزرگ‌ترین شکست‌ناپذیرترین تکیه‌گاه انتشار فرهنگ و سیاست غرب به شمار می‌رفتند و به گمان بسیاری از نظریه‌پردازان غربی از جمله «الوین تافلر» و «مارشال مک‌لوهان» و دیگران، برخورداری غرب از قدرت رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی در سطح جهان، آن را به غول قدرت و کدخدای استی جهان و به تعبیری ابرقدرت جهان تبدیل کرده است اما دنیا شاهد بود چگونه شاخ این غول هم شکسته و این حربه نیز از انحصار غرب خارج شد. هیمنه انقلاب اسلامی، چنان موجب سرکوب غرب بویژه آمریکا شد که «مارک پالمر» از مقام‌ها و نظریه‌پردازان آمریکایی تصریح می‌کند «جمهوری اسلامی به قدرتی شکست‌ناپذیر تبدیل شده که با روش‌های سخت نمی‌شود آن را از پای درآورد. تنها راه سرنگونی جمهوری اسلامی، فروپاشی از درون است.»

امروز به خود اجازه دهد قدرت نفوذ جمهوری اسلامی را در سطح منطقه و فراتر از آن انکار کند؟ اساساً تهاجم غرب به منطقه و حضور جدی و سنگین دیپلمات‌ها و نظامیان غربی در منطقه، با هدف پیشگیری از قدرت نرم جمهوری اسلامی یا دست‌کم فروکاستن از این قدرت است. گو اینکه اراده الهی بود که انقلاب اسلامی فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران بتواند آثار خود را در مناطق دیگر به ظهور رساند و منطقه را تحت تأثیر امواج برخاسته از این رویداد مهم قرار دهد. بیداری اسلامی در منطقه و جهان اسلام از دید همه تحلیلگران از آثار امواج برخاسته از انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود. هرچند غربی‌ها کوشیده‌اند با تبلیغات کور خود دنیا را به سمت خویش بکشانند اما انقلاب اسلامی ایران فرادست‌تر از همه ترفندهای کور دشمن، خواهی نخواهی جایگاه ویژه‌ای را به‌عنوان قدرت بزرگ منطقه برای خود حفظ و تثبیت کرده است. انقلاب اسلامی ایران موجب شده‌تنها رژیم صهیونیستی در جای خود زمینگیر شود و قدرتش روز به روز تحلیل رود، بلکه از کران تا بیکران جهان این‌بار صدای شمارش معکوس ناشی از شکست فزاحته‌بار سیاست نیل تا فرات رژیم صهیونیستی به وضوح به گوش رسد و عمر این رژیم بی‌آبرو پایان یافته تلقی شود. حیات و بقای رژیم صهیونیستی در گرو اجرایی‌کردن سیاست نیل تا فرات بود، در واقع فلسفه پیدایش و استقرار این رژیم یوشالی، تحقق چنین هدفی بوده است؛ حال اگر دستش از سر منطقه نیل تا فرات کوتاه شود، دیگر دلیلی برای بقای این رژیم باقی نمی‌ماند و اساساً وجود خود را از دست خواهد داد. اکنون می‌فهمیم چرا و چگونه غرب حاضر است تمام منطقه را از غرب و شرق و شمال و جنوب توسط داعش و سایر گروهک‌های تروریستی و تکفیری به آتش بکشد تا رژیم غاصب صهیونیستی باقی بماند. بیخود نیست ظهور جنبش‌های مردمی بیداری اسلامی در منطقه با سرعت هرچه تمام‌تر سرکوب می‌شود، چرا که این جنبش‌ها غرب و وابستگان و دل‌باختگان را در سران و شیوخ عرب را در منطقه به وحشت انداخته است. سرسپردگان غرب در منطقه هر کاری را به میل و اراده غرب مرتکب می‌شوند تا شاید خود را از دسترس امواج برخاسته از انقلاب اسلامی دور کنند. حملات گسترده و خونین به عراق و شام و یمن، همه برای این است که رژیم صهیونیستی محفوظ بماند. سران و شیوخ عرب در منطقه شامل عربستان و قطر و امارات و بحرین و… همه تاج و تخت و بارگاه خویش را در خطر نابودی و انقراض می‌بینند. غرب با راناندازی فتنه داعش در منطقه می‌خواست مانع نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه و جهان شود. غرب، خودش ساکن فتنه را در جهان اسلام بنا نهاد و پس از آن با سیاست واکنش سریع و فراقکنانه و فرار به جلو، ریاکارانه و موزرانه به بهانه مبارزه با تروریسم و ترویست شد، به چند کشور منطقه هجوم برد. ظاهر آن چیزی است و باطن آن چیز دیگری. در مجموع انقلاب اسلامی ایران در منطقه به بیداری اسلامی در کشورها و جوامع اسلامی انجامید و موجی از جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی را در جای‌جای مناطق اسلامی پدید آورد. این اقرار و اعتراف همه سیاستمداران جهان و حتی دشمنان انقلاب اسلامی است که حرکت‌های مردمی در سواحل استرالیا در دهه‌های اخیر را الهام‌گرفته از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. به همین دلیل توجه مردم در جهان اسلام به انقلاب اسلامی معطوف شده است. دشمنان انقلاب اسلامی کوشیده و می‌کوشند مانع گسترش شعارها و پیام‌های انقلاب اسلامی به بیرون از مرزهای جمهوری اسلامی ایران شوند. ستنیزه‌جویی‌های سهمگین دشمنان انقلاب اسلامی خود گواهی روشن بر نقش ماندگار و گسترده انقلاب اسلامی در منطقه است. اساساً ظهور داعش و پیش از آن القاعده و گروهک‌های تکفیری دست‌پخت دشمنان انقلاب اسلامی به سرکردگی آمریکا است. یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران «هنری کیسینجر» مشاور امنیت ملی کاخ سفید، اظهار داشت تنها راه مبارزه با انقلاب اسلامی ایران، تشکیل و تدارک گروهی از افراتیون علیه استی است که با حمایت و تجویز کامل، در برابر آن صفارایی کنند. این پیشنهاد عملی شد و تقریباً ۱۵ سال بعدتر در پیدایش گروهک‌هایی چون القاعده و طالبان نخست در افغانستان و سپس در مناطق دیگر به وقوع پیوست و امروز در پدیده شوم داعش و جبهه النصره و… خودنمایی می‌کند.

سوم: دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران برای قدرت‌های شرقی
قدرت‌های شرقی همچون چین، هند و روسیه همواره در جست‌وجوی عامل توانمند و بازدارنده نفوذ و سلطه غرب بوده و هستند. در درجه اول این قدرت‌ها میل بودند خودشان چنین نقشی را ایفا کنند اما وقتی این امر میسر نباشد، ترجیح می‌دهند دست‌کم مانعی جدی در برابر نفوذ و سلطه غرب باشد که بتواند زمینه را برای حفظ موقعیت و جایگاه آنان در برابر غرب فراهم آورد. انقلاب اسلامی ایران تا حدود زیادی در این بازدارندگی و فراهم‌سازی زمینه نقش مؤثری ایفا کرد. به جرات می‌توان گفت قدرت قدرت‌های شرقی، امروز رهین نقش مهمی است که انقلاب اسلامی بر عهده گرفته است. امواج برخاسته از نفوذ انقلاب اسلامی در شرق بویژه در روسیه، نظریه‌پرداز ی سیاسی چون «الکساندر دوگین» بزرگ‌ترین ایدئولوگ کاخ کرملین، فیلسوف روس و مشاور پوتین را بر آن داشته است که بگوید: «وقت آن رسیده است که به اصلت و هویت شرقی زمینی خودمان بازگردیم و ریشه‌های حقیقت شرقی خویش را بازیابیم. انقلاب اسلامی خواستار بازگشت به اندیشه شیعی است همان‌طور که در روسیه هم بازگشت به اندیشه



۱۲۶۰ خورشیدی، دولت وقت روسیه بار دیگر با سوءاستفاده از بی‌لیاقتی و بی‌کفایتی و روحیه سلطنت‌پرستی دولت قاجار، پادشاه وقت را به امضای پیمان‌نامه ننگین دیگری وادار کرد که به موجب آن مرزهای ۲ کشور در مناطق ترکمن‌نشین شرق دریای خزر معین شد. نیروهای روس پیش از آن سرزمین‌های آرال، سمرقند، تاشکند، بخارا و خوارزم را تصرف کرده بودند، تا اینکه سال ۱۸۸۱ میلادی با ایلات ترکمن نیز جنگیدند و آنان را شکست دادند و سرانجام سرزمین ترکمن‌ها را هم با نام «سرزمین ماورای خزر» به خاک خود افزودند.

۵- معاهده مک‌ماهون (Treaty Of Mac-Mahon)

از زمانی که بر اساس معاهده پاریس مناطقی از شرق کشور جدا شد و کشور دیگری به نام افغانستان شکل گرفت، بتدریج اختلاف‌های طرفین ایران و افغانستان بر سر آب هیرمند به ستیز و تخاصم انجامید. پیش از آن دولت انگلیس، ایران را از ورود مستقیم برای حل تخاصم منع کرده بود؛ بدین گونه که برای حل تخاصم باید منتظر فرمان و اجازه و اقدام دولت بریتانیا باشد؛ بر این اساس، دی‌ماه سال ۱۲۸۲/ژانویه ۱۹۰۳، هیاتی به فرماندهی سرهنگ «رتور هنری مک‌ماهون» از طرف دولت انگلیس وارد ایران شد تا ظرف ۳-۴ ماه تکلیف آب هیرمند را معین کرده، به تخاصم طرفین پایان دهد. پادشاه ایران در آن زمان، مظفرالدین‌شاه قاجار، چنان بی‌کفایت، بی‌لیاقت و ذلیل بود که اجازه نداشت؛ نمی‌توانست خودش مستقیم مسأله را حل کند. هیات انگلیسی به بهانه حل اختلاف آب هیرمند، بیش از ۳ سال با هزینه ملت ایران در کشور ماندگار شد و سرانجام نتیجه این دخالت آشکار و ناروا به جدایی بخشی از سیستان انجامید. انگلیس به رسم مکاربوند، نخست ۲ طرف را به درگیری بر سر آب و زمین تحریک کرد تا تفضای لازم را برای دخالت خود فراهم کند. این کشور همواره کوشیده است کلید ورود به مناطق استراتژیک را در دست گیرد. سیستان وبلوچستان ایران کلیدی بود که انگلیس می‌توانست با در دست داشتن آن در برابر نفوذ روسیه و گسترش دامنه آن بایستد. بر اساس معاهده مک‌ماهون، بخش دیگری از شرق ایران از خاک وطن جدا شد و پادشاه ایران تنها نظاره‌گر این صحنه‌های ننگین بود تا اینکه هرات بزرگ هم از ایران جدا شد!البته این تنها خسارت حضور مک‌ماهون و همراهانش نبود، بلکه وی برای تأمین منافع انگلیس، سیستان ایران را نابود کرد و اسباب فحطی و گرانی و زودخورد و دشمنی را بین مردم سیستان ایران با مردم افغان فراهم کرد.

۶- جدایی بحرین از ایران

بحرین به واقع استان چهاردهم ایران به شمار می‌رفت تا اینکه انگلستان برای به دست آوردن منافع بیشتر در خلیج‌فارس پیشینهاده استقلال بحرین را به شاه ایران تحمیل کرد. محمدرضاشاه نیز با ذلت تمام و به بهانه رأی مردم بحرین برای استقلال، به قرارداد ننگینی تن داد که از سال‌ها قبل دولت انگلیس آن را انتظار می‌کشید تا سرانجام موافقتنامه اصلی نهایی با مسافرت اردشیر زاهدی، وزیر وقت امور خارجه ایران به بحرین در خردادماه ۵۰ به امضا رسید. از هویدا، نخست‌وزیر وقت ایران پرسیدند: دولت ما چگونه حاضر شد بحرین را از دست بدهد؟ او با کمال وقاحت اعلام کرده بود: بحرین دختر ما بود، رشیده شد، بالنه شد، او را به عقد دیگری درآوردیم!

■ استقلال و حفظ و تثبیت تمامیت ارضی کشور؛ ثمره

انقلاب اسلامی

اکنون بار دیگر این ۶ رویداد خفت‌بار را از نظر بگذرانید و آنها را که طی ۲ قرن گذشته اتفاق افتاده است با ۲ سال جنگ و گریزهای داخلی و ۸ سال دفاع‌مقدس مقایسه کنید. در طول سال‌های دفاع‌مقدس همه جا تقریباً کشت و کشتار و اسارت و غارت و بمباران و موشک‌باران و… در میان بود اما پس از این مدت نسبتاً طولانی که تمام دنیای استکبار به سرکردگی آمریکای جنایتکار علیه ایران جنگیدند، با وجود همه ترفندها و زدوبندهایی که دشمنان انقلاب اسلامی به کار بستند و به‌رغم تمام فتنه‌هایی که به بار آوردند نتوانستند حتی نیم‌وجوب از خاک کشور را از ایران عزیز جدا کنند. این دستاورد انقلاب اسلامی بود که عزت و غیرت و حماسه و استقلال و حرمت و ثبات و افتخار را نصیب کشور و مردم ایران اسلامی کرد.

دوم: دستاوردهای انقلاب اسلامی در منطقه

محمدحسنین هیکل، روزنامه‌نگار فقید مصری، در مصاحبه‌ای گفته بود: ایران در طول تاریخ خود ۲ بار بر سواحل مدیترانه دست یافت؛ بار اول در عهد هخامنشیان آن هم با قدرت نظامی و بار دوم در عهد جمهوری اسلامی ولی این بار نه با قدرت نظامی، بلکه با قدرت نرم ولایت‌فقیه. کیست که

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون، ۴ دستاورد مهم و اساسی را می‌توان برای این انقلاب در عمق ۴ موقعیت برجسته درون‌مرزی و برون‌مرزی در سطح داخلی و خارجی و ملی و بین‌المللی، ایرانی، منطقه‌ای و جهانی در نظر گرفت. این دستاوردها بیانگر تحولات چشمگیری است که بر اثر انقلاب اسلامی پدیدار شده و تا حدود فراوانی معادلات سیاسی و فرهنگی جهان را متحول کرده است. در مقاله پیش رو بر آن شدیم تا نظری هرچند کوتاه به این دستاوردها بیفکنیم و با توجه به چنین دستاوردهایی، موقعیت و جایگاه انقلاب اسلامی را در سطوح مختلف داخلی و خارجی محک برزنیم و اعتبار انقلاب اسلامی را از این رهگذر بسنجیم.

اول: دستاوردهای انقلاب اسلامی در درون نظام و کشور

در طول تاریخ چندین هزار ساله ایران تاکنون هیچ عاملی را نمی‌توان به اندازه انقلاب اسلامی، کانون ثبات و مظهر پایداری و مقاومت و الگوی استقلال و نماد عظمت و ابهت کشور ایران و حافظ کبان مذهب و ملت دانست. همزمان سرپرندگی اسلامی ناب محمدی(ص) و طرح آن در فرهنگ جهانی، رهین انقلابی است که از دل همین اسلام برخاست و جان تازه‌ای به اسلام ناب بخشید. به‌واقع انقلاب اسلامی محصول محقق شدن برخی آرمان‌های اسلام ناب محمدی(ص) بود که به نوبه خود در اعتلای چنین اسلامی نیز مؤثر افتاد. کافی است مروری بر تاریخ ایران و جایگاه جهانی آن در گذر زمان داشته باشیم. نو بودن و نوآوری انقلاب اسلامی در معادلات جهانی از این رو است که چنین انقلابی هرگز امتداد خطوط و جریان‌های سیاسی حاکم بر کشور نبوده است، بلکه در حقیقت تجلی آرمان‌های اسلام ناب محمدی(ص) است که قرن‌ها پیش در گوشه‌ای از سرزمین ظهور ظاهر کرد و پرتوی از آن پس از ۱۴ قرن بر تارک کشور ایران نورافشانی کرد. بیونده انقلاب اسلامی ایران با بعث پیامبر اسلام(ص) و پس از آن رابطه‌اش با حماسه و نهضت خونین حسینی، حقیقتی انکار‌ناپذیر است.

■ مروری بر ۲ سده پیش از انقلاب اسلامی

برای اینکه اهمیت نقش و جایگاه انقلاب اسلامی در ایران بیشتر و بهتر مشخص شود، کافی است سری به تاریخ دویست و اندی ساله گذشته این رویداد تلخ در عهد قاجاریان و در زمان گذشته را مرور کنیم.

۱- معاهده گلستان (Treaty Of Golistan)

عهدنامه گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی مطابق ۱۱۹۲ هجری خورشیدی بین ایران و روسیه امضا و به دنبال آن بخش‌های چشمگیری از ایران به اصطلاح شمالی شامل مناطق قفقاز و آذربایجان و آرس و ایروان و گنجه و لنکران از خاک کشور جدا شد. این رویداد تلخ در عهد قاجاریان و در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه اتفاق افتاد. هم‌اکنون ۲۰۴ سال از زمان ماجرای ننگین و خفت‌بار می‌گذرد. اگر سفری به شهر مرزی آستارا داشته باشی، سیم‌های خاردار و علامت و موانع مرزی اشک شما را درمی‌آورد که چرا و چگونه سران وقت کشور اینگونه آسان و ذلیلانه از این بخش‌های زیر زخیر کشور به نفع دشمنان صرف‌نظر کردند!

۲- معاهده ترکمانچای (Treaty Of Turkamanchay)

۱۵ سال بعد از عهدنامه گلستان، اسفند ۱۲۰۶- ۲۱ فوریه ۱۸۲۸- پس از درگیری بین ایران و روسیه، معاهده ترکمانچای با هدف پایان دادن روسیه به جنگ با ایران به امضا رسید و بر اثر آن باقیمانده بخش ایران شمالی شامل قفقاز جنوبی و بخش دیگری از آذربایجان و ایروان و نخجوان از کشور جدا شد. این رویداد تلخ‌تر از زهر نیز در زمان سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار به وقوع پیوست. ایران بر اساس این ننگین‌نامه حتی حق کشتیرانی در دریای خزر را از دست داد و ۱۰ کرور تومان جریمه نیز به روسیه پرداخت. در مقابل این زیان جبران‌ناپذیر، روسیه متعهد شد از پادشاهی ولیعهد وقت یعنی عباس‌میرزا پشتیبانی کند!

۳- معاهده پاریس (Treaty Of Paris)

تقریباً ۲۰ سال پس از معاهده ترکمانچای، معاهده پاریس در ۱۳ اسفند ۱۲۳۵ امضا شد. بر اثر این قرارداد خفت‌بار، کشور امروزی افغانستان که در قیومت ایران بود و جزو قلمروی خاک خراسان بزرگ به‌شمار می‌رفت، به طور نسبتاً کامل از ایران جدا شد. این رویداد در دوران سلطنت ناصرالدین شاه به وقوع پیوست. در آن دوران، حکومت قاجار که زیر فشار انگلیس قرار گرفته بود، به پیشنهاد و میانجی‌گری فرانسه و روسیه تن داد و ذلت دیگری را بر ذلت‌های پیشین خود افزود.

۴- معاهده آخال (Treaty Of Akhal)

۲۱ سپتامبر سال ۱۸۸۱ میلادی مطابق ۳۰ شهریور